



علیرضا عصار

به شبکه نمایش خانگی رفت

«کنسرتیو» عنوان ویژه‌برنامه‌ای جدید به میزبانی سیدعلیرضا عصار، خواننده موسیقی پاپ کشورمان است که از روز سوم خرداد در شبکه نمایش خانگی پیش روی مخاطبان قرار خواهد گرفت.

«کنسرتیو» در قالب ۳ فصل هر هفته میزبان اجرای زنده هنرمندان شاخص موسیقی در سبک‌های مختلف است. همچنین در کنار این بخش، علیرضا عصار گفت‌وگویی با آنها خواهد داشت که فضایی جدیدی را برای مخاطبان ایجاد خواهد کرد. محسن خیار و محمدرضا حسین‌زاده به عنوان تهیه‌کننده، میلاد رحیمی کارگردان، عرفان ناصری مجری طرح، سعیده امیرساعی مدیر پروژه و برنامه‌ریز، محسن امانت سرپرست نویسندگان، سیامک احصایی طراح صحنه و دکور و حسین حاتم‌ی به عنوان مدیر فیلمبرداری و طراح نور در این پروژه حضور دارند.

همیلتون به خانه هنرمندان می‌آید

دوازدهمین برنامه سلسله جلسات نمایش فیلم تئاترهای شاخص با همکاری مشترک انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینما تک خانه هنرمندان ایران به نمایش فیلم تئاتر «همیلتون» اختصاص دارد. فیلم تئاتر «همیلتون» (محصول ۲۰۲۰ آمریکا / ۱۶۰ دقیقه) به کارگردانی توماس کیل و نویسندگی و تهیه‌کنندگی لین - منول میرندا، چهارشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ در سینما تک خانه هنرمندان ایران به نمایش می‌آید. پس از نمایش این فیلم تئاتر، نشست نقد و بررسی آن با حضور عباس غفاری (میزبان) و آران قادرپور (منتقد تئاتر) برگزار می‌شود.

حوزه هنری «پا به توپ» را آماده پخش کرد

مستند ورزشی «پا به توپ»، محصول مرکز مستند سوره و تولید شده در حوزه هنری استان چهارمحال و بختیاری، به تهیه‌کنندگی و کارگردانی امیرحسین اسینود آماده نمایش شد.

این فیلم مستند، تلاش و امید ۲ برادر با نام‌های «بولقلض» و «علی» که ساکن یکی از روستاهای محروم چهارمحال و بختیاری هستند، در ورزش فوتبال و رسیدن به آرزوهایشان را به تصویر کشیده است.

این اثر نگاهی به فرهنگ و زیست‌بوم مردمان استان چهارمحال و بختیاری بویژه روستایی که ۲ نوجوان در آن زندگی می‌کنند، داشته است. هم‌زمان با هفته فرهنگی روز شهرکرد، مستند «پا به توپ» امروز شنبه ۲۹ اردیبهشت ساعت ۱۶ با حضور سازندگان فیلم، هنرمندان و ورزشکاران در پردیس سینمایی بهمن شهرکرد رونمایی و اکران می‌شود.

فرزاد حسنی مجری جشنواره مستند پژواک شد

رئیس کمیته برگزاری مراسم اختتامیه سومین جشنواره پژواک از اجرای فرزاد حسنی در این مراسم خبر داد.

ساجد قدوسیان گفت: مراسم اختتامیه سومین جشنواره پژواک ساعت ۲۰ روز بیست‌ونهم اردیبهشت (امروز شنبه) در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار می‌شود. مجری مراسم نیز فرزاد حسنی است.

وی با اشاره به تجلیل از خانواده شهدا در این مراسم عنوان کرد: در آیین اختتامیه از خانواده معظم شهیدان طهرانی‌مقدم، سیدرضی موسوی و زاهدی تجلیل خواهد شد.

جوایز اصلی در ۷ بخش، جوایز مردمی در ۳ بخش، جوایز ویژه در ۵ بخش و جوایز واکنش سریع در ۳ بخش به برگزاریدگان اهدا خواهد شد.

«پل آزادی» به موزه سینما رسید

در آستانه سالروز آزادسازی خرمشهر، مستند «پل آزادی» ساخته مهدی مدنی در موزه سینما نمایش داده می‌شود.

این برنامه که در قالب نشست شب‌های مستند با مشارکت انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند در موزه سینما برگزار می‌شود، روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ساعت ۱۷ با حضور مهدی مدنی کارگردان و محمد داوودی تهیه‌کننده و فیلمبردار، به چگونگی ساخت و تولید این مستند می‌پردازد.

«پل آزادی» فیلم مستندی با موضوع آزادسازی خرمشهر است که سال ۱۳۶۱ ساخته شد.

این مستند داستان تلاش گروه‌های مهندسی مختلف در آستانه عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر است؛ داستان ساخت یک پل روی رود کارون که در انتها با کشته و مجروح شدن بسیاری از آنها در نهایت به آزادی خرمشهر می‌انجامد.

معاون هنری اداره کل هنرهای تجسمی تغییر کرد

محمد خراسانی‌زاده مدیرکل هنرهای تجسمی، «علی هوشمند» را به عنوان معاون هنری این اداره کل منصوب کرد.

علی هوشمند، متولد ۱۳۵۲ در ایلام و دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت فرهنگی است. از جمله مسئولیت‌های وی می‌توان به فرمانده کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام، رئیس حوزه هنری استان‌های قزوین و کهگیلویه و بویراحمد، مشاور مدیرکل و معاون اداری مالی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین و... اشاره کرد.

گفتنی است پیش‌تر، سیدمصطفی زراوندیان این مسئولیت را برعهده داشت که هم‌اکنون در جایگاه دبیر شورای هنری، اداره کل هنرهای تجسمی را همراهی می‌کند.

حضرت امام حسن عسکری ۷

تمام پلیدی‌ها و زشتی‌ها در خانه‌های نباده شده که کلید آنها دروغوئی است.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحبانیتاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: زما شکیبایی
سرمدیر: سعید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۴
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸
نمابر: ۶۶۴۱۳۷۲۳
پيام‌رسان: @vataneerooz
پست الکترونیک: info@vataneerooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰۰



گفت‌وگوی «وطن امروز» با حسن علیکرمی، کارگردان نمایش «گر به جان» که این روزها در تئاتر شهر روی صحنه است

داستانی از دل قصه‌های مجید

محمد محمدی: مساله اصالت آثار هنری همواره در تاریخ هنر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. حال نیز بازگشت به سنت‌های گذشته، ضرورت درک مفهوم اصالت را در ارتباط با مباحثی چون الهام و اقتباس در آثار هنرهای نمایشی بیشتر کرده است. در این میان با بررسی آثاری که طی سال‌های اخیر در فضای حرفه‌ای هنرهای نمایشی روی صحنه رفته‌اند، می‌توان به جرأت ادعا کرد خلق و اجرای آثاری با محوریت الهام و اقتباس بسیار کمتر از آنچه باید بوده است. به عنوان شاهد این مدعا، در میان ۸۰ نمایشی که همین روزها در شهر تهران روی صحنه است، به تعداد انگشتان یک دست نیز آثار اقتباسی وجود ندارد. این در حالی است که سرزمین ایران به مثابه معدن و گنجینه‌ای تمام‌عیار و مثال‌زدنی، مملو از آثار ادبی و اصلی است که می‌توان تا قرن‌ها و سده‌ها از آنان بهره‌برداری کرد.

یکی از آثار اقتباسی که این روزها در حال اجراست، نمایش «گر به جان» اقتباسی از داستان «گر به» از مجموعه داستان «قصه‌های مجید» به قلم هوشنگ مرادی کرمانی است؛ مجموعه‌ای که سال ۶۴ به عنوان کتاب برگزیده سال کشور انتخاب شد و شاید یکی مشهورترین سریال‌های ایرانی در دهه ۷۰ با عنوان «قصه‌های مجید» به کارگردانی کیومرث پوراحمد نیز به سبب جذابیت‌های دراماتیکی آن، همچنان پس از ۳ دهه در بین مردم ایران به عنوان یک سریال خاطرات‌انگیزه ماندگار است. قصه «گر به جان» روایت مجید در سن ۵۰ سالگی است؛ شخصیتی که دوران نوجوانی‌اش عاشق شعر و ادبیات بود و اکنون ۵۰ سال از آن روزها گذشته...

به بهانه اجرای این نمایش با حسن علیکرمی، کارگردان آن به گفت‌وگو نشستیم.

درباره نمایش «گر به جان» بفرمایید و اینکه چه شد در شرایطی که بسیاری از هنرمندان به سمت متون خارجی گرایش پیدا کرده‌اند، شما تصمیم به اجرای یک متن ایرانی گرفتید؟

نگارش نمایشنامه «گر به جان» را سال پیش شروع کردم. اقتباسی از داستان «گر به» از مجموعه «قصه‌های مجید» هوشنگ مرادی کرمانی. پس طبیعتاً یک متن ایرانی به حساب می‌آید. البته به نمایشنامه‌های خوب خارجی هم همیشه علاقه‌مند بوده و هستم. از دهه ۶۰ تاکنون تمام نمایشنامه‌هایی که با آنها روی صحنه رفته‌ام، یا از نوشته‌های خودم یا نوشته‌های دیگران یا آثار ترجمه‌ای بوده اما همیشه علاقه‌مند بودم تجربه نگارش نمایشنامه اقتباسی را هم داشته باشم. از بین داستان‌های خارجی، پینوکیو (کارلو کلودی)، همه می‌میرند (اسیمون دوبوار)، لایملایت (چارلیچاپلین)، شل (نیکلای گوگل) و چند داستانی دیگر را دوست داشتم و از بین ایرانی‌ها دوست داشتم از روی داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی اقتباس و آنها را به نمایشنامه تبدیل کنم و روی صحنه ببرم. این فکر در ذهنم بود تا اینکه حین نگارش نمایشنامه جدیدم بعد از نمایش «مهاجران» که سال ۹۶ تالار حافظ روی صحنه بردم، خیلی اتفاقی آشنایی نزدیک من با استاد هوشنگ مرادی کرمانی، در یک فضای کاملاً غیرفرهنگی (در یک درماتگه که برای دوا و درمان رفته بودیم)،

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

فرزاد حسنی، کارگردان نمایش «گر به جان» را با حضور بازیگران اصلی در تئاتر شهر، به نمایش درآورد.

زمینه‌چینی و بسترسازی می‌کردم و می‌کنم که به آنچه مدنظرم است، برسم. شیوه من در اقتباس بدینگونه بود که بدون در نظر گرفتن خواست‌های قبلی‌ام از آثار استاد هوشنگ مرادی کرمانی، از ابتدا شروع به خواندن تمام آثارشان در سطح بازار کتاب کردم. بنابراین خیابان انقلاب و کتابفروشی‌های آن محل گردش و تحقیقات اولیه من، تا به شکل کتابخانه‌ای سراغ تک تک کتاب‌های نداشتام بروم و به همراه کتاب‌های داستانه‌ام در داخل کتابخانه شخصی‌ام، داستان به داستان جلو بروم تا نرم در دنیای داستانی و افکار و اندیشه و ساختار نوشتاری استاد هوشنگ مرادی کرمانی وارد شوم و زندگی کنم تا با حال و هوای ذهنی و ساختاری مجموعه آثار ایشان، بیشتر از گذشته آشنا شوم و این بار از منظر اقتباسی و به دیده خریداری جدید سراغ آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی بروم و از دل این حال و هوا، نمایشنامه خودم را اقتباس کنم. استاد هوشنگ مرادی کرمانی تاکید داشتند یک داستان را انتخاب و بر اساس آن، اقتباس را انجام دهم. این شد که سال پیش، داستان «گر به» را از مجموعه «قصه‌های مجید» انتخاب و داستان نمایشی خودم را خلق کردم که باید مرز بین اقتباس من و داستان استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در قالب درام، به عینه روی صحنه تئاتر ببینید، بشنوید و لمس کنید. به هر حال می‌دانم سراغ داستان‌ها و افراد شناخته‌شده رفتن برای روی صحنه بردن یک اثر نمایشی، کار خطرناک و پرریسکی است. من این ریسک را پذیرفتم و آن را روی صحنه بردم و مطمئنم یک اقتباس کاملاً متفاوت و جذاب از کار درآمده و این را در نخستین شب اجرای خود برای تماشاگرانم، کاملاً احساس کردم. این تمهید که اول داستان دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

هوشنگ مرادی کرمانی، انگیزه اصلی را در من ایجاد کرد و اجازه دادند آنگونه که می‌خواهم اقتباس را انجام دهم و داستان نمایشنامه‌ام را بر اساس داستان ایشان بنویسم. گفت‌وگوهایی مفصل ایشان با من در نگارش و نوشتن بسیار امیدوارم می‌کرد و تایید گرفتن از ایشان، اعتماد به نفسم را بالا می‌برد

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

دیده شود یا کارگردانی، جزو اولویت‌های من نبود. من از روی داستان، یک اقتباس نمایشی انجام داده‌ام، بنابراین دوست داشتم و دارم تماشاگر تئاتر، اول از همه اقتباس من را ببیند و بشنود. کارگردان، کارگردانی درامی را می‌کند که وظیفه و رسالتش، رساندن پیام اقتباس و نمایاندن زیبایی‌های حاصل از خلاقیت و دسترنج بازیگران، طراح لباس، آهنگساز و نتیجه تلاش تمام عوامل نمایش است. بی‌شک متن این نمایش بر آن نکت دراماتیکی نمایشنامه‌ای را رویکرد اقتباس از آثار ادبی است که با پایه یک تجربه ۳۸ ساله در حوزه تئاتر بنا شده است. سعی کردم، حال و هوای آثار داستانی استاد هوشنگ مرادی کرمانی را در اقتباس نمایشی خودم حفظ کنم. دنیای کودکی و نوجوانی، مخاطب قرار دادن بزرگسالان، شاد و طعناز بودن و غم‌همیشگی را که

زیرپوست تمام آثار ایشان نهفته است، در تار و بود ساختار متن قرار دادم. در شیوه اجرا هم تمام تلاشم بر حفظ تناسب میان متن و ساختار اجرایی بود که الحق دوستانم نیز در گروه نمایش «گر به جان»، با همین زمینه‌فکری، پیش رفتند. در طراحی صحنه نیز زمان و وقت بسیاری برای ایده‌پردازی و اجرا گذاشتم که نهایت به آنی که هم اکنون می‌بینید، رسیدم. به گونه‌ای از مقوله اقتباس هم در طراحی صحنه استفاده کردم و از تصویر نقاشی «آران در جنگل بلوط» اثر «ایوان شیشکین» استفاده کردم که با محتوای نمایشنامه من نیز کاملاً منطبق بود. این اتفاق، ریشه در علاقه من به هنرهای تجسمی دارد و از بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بین‌رشته‌ای با بین هنرها نشأت می‌گیرد و البته دوست داشتم این بار زمین صحنه نمایشم، سیاه نباشد و با یادگرند صحنه‌ام تناسبی داشته باشد که بر همین اساس، تمام صحنه را با چمن مصنوعی پوشاندم. طراحی لباس این نمایش هم که کار از ارژمند سرکار خانم هانیه تجریشی است و به نظر من یکی از بهترین و شاخص‌ترین بخش‌های نمایش «گر به جان» است. فرآیند طولانی این کار از همان ابتدای شکل‌گیری نمایشنامه آغاز شد که سرانجام به طرح نهایی، چاپ روی پارچه و دوخت رسید. از آهنگسازی این نمایش نیز نمی‌توانم براحتی بگذرم که اگر نبود، ساختار نمایش به کل، چیز دیگری می‌شد. آهنگساز و نوازندگان این نمایش از همان اول مانند طراح لباس در کنار بودند و ذره ذره موسیقی متن و ترانه‌هایش را خلق کردند و سرانجام، خود نیز به عنوان ۲ نفر از بازیگران اصلی کار روی صحنه آمدند که نقش نوازندگان دوره‌گرد را ایفا کردند در نهایت هم بازیگرانم که شاید کسانی بگویند این افراد چهره نیستند ولی باید عرض کنم از ابتدا با همین نیت و با هدف مشخص، این گروه بازیگری را چیدمان کردم که در قالب و شیوه کارگاهی به دنبال تکرار تجربیات قدیم و انجام تجربیات جدید بودم که خدا را شکر از این تجربه نیز بسیار راضی و مسرورم که به احتمال قوی این شیوه را در کارهای آینده‌ام ادامه دهم.

نقش و سهم هوشنگ مرادی کرمانی در نگارش نمایشنامه چقدر بود؛ آیا ایشان دخل و تصرفی داشتند و اساساً در پروسه نگارش نمایشنامه شما را همراهی کردند؟

نقش و سهم استاد هوشنگ مرادی کرمانی در نگارش این نمایشنامه را می‌توانم در چند بخش خلاصه و بیان کنم. ایشان، دست مرا در نگارش و اقتباس آزاد گذاشتند. استاد هوشنگ مرادی کرمانی، انگیزه اصلی را در من ایجاد کردند و اجازه دادند آنگونه که می‌خواهم اقتباسم را انجام دهم و داستان نمایشنامه‌ام را بر اساس داستان ایشان بنویسم. گفت‌وگوهایی مفصل ایشان با من در نگارش و نوشتن بسیار امیدوارم می‌کرد و تایید گرفتن از ایشان، اعتماد به نفسم را بالاتر می‌برد. به هر حال حضور ایشان در کنار من، افتخاری بود که نصیب شد و خدا را برای این اتفاق شاکرم. نکته آخر اینکه به دلیل سابقه درخشان و ماندگار ایشان در نامگذاری آثارشان، نام نمایشنامه را سپردم به انتخاب ایشان تا به یادگار برایم باقی بماند.

نکته یا درددلی دارید که به عنوان سخن آخر بگویید؟

دوست دارم مطلبی را یا شاید درد دلی را بیان کنم. حال که به پشت سرم نگاه می‌کنم، تئاتر کار کردن در این روزگار، مثل جان کندن می‌ماند. در این زمانه، تولید یک اثر نمایشی ارژمند که بار فرهنگی داشته باشد و از سلبریتی‌ها (با احترام به تمام دوستان هنرمندم) و ایت‌های بازاری و دم دستی و سفیخ دور باشد، بسیار فرآیند سخت و نفسگیری است که من و دوستانم فریخته‌ام در گروه تئاتر «عشق خیال»، این مسیر را با تمام چالش‌هایش طی کردیم. خلق تئاتر شریف و صادق و درام به معنای واقعی کلمه در این روزگار، با دنیایی که هم اکنون بر فضای تئاتر کشور حاکم است، فرسنگ‌ها فاصله دارد اما چون انسان به امید زنده است، ما هم امیدواریم روزی تئاتر ایران به سر و سامان ایده‌آلی برسد. شما فکرتان را بکنید، زمانی اداره تئاتری وجود داشت و ما می‌توانستیم از سالن‌های تمرین آن بهره ببر